

«مقاله پژوهشی»

## فعال سازی ابزارهای شناختی انسان: «سمع» و «رؤیت» و نقش «سؤال» در سوق انسان

به وضعیت مطلوب (مطالعه موردی سوره مبارکه فصلت)

حبیبه قیصری<sup>۱</sup>، عبدالهادی فقهی زاده<sup>۲</sup>

۱. دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، h.gheisari@ut.ac.ir

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، faghhezad@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

### Activation of Human Cognitive Tools: "hearing" and "seeing" and the Role of "question" in Leading Man to the Desired situation (Case study of Surah Fuṣṣilat)

Habibef Gheysari<sup>1</sup>, Abdolhadi Feghezadeh<sup>2</sup>

1. Ph.D. of Ulum Quran and Hadith, Tehran University, Babolsar h.gheisari@ut.ac.ir  
2. Professor of Ulum Quran and Hadith, Tehran University, Babolsar faghhezad@ut.ac.ir

#### Abstract

In the first verses of Surah Faslat, God speaks of the revelation of the Book and the details of the verses and the glad tidings and warnings of them, and after that, He turned away a large number of infidels with the phrase: In other verses, he refers to the history of the people of 'Aad and Thamud. They prefer guidance and are afflicted with torment. However, before telling the story of the people of Aad and Thamud, God speaks of the destiny of a day on earth and its equality for the questioners and the importance of the question in enjoying a day. This article intends to classify and analyze the verses of Surah Fussilat based on the favorable situation (the flow of truth) and the unfavorable situation (pseudo-false current) to discover how to activate human cognitive tools such as "hearing" and "seeing" and thus Man's mediator uses his inner "question" and "desire" in order to reach the desired situation so that man can benefit from the verses of the Qur'an and its functions, including: "guidance", "healing" and "remembrance" and with Increase your interest in understanding the facts by asking questions in "perseverance" and "forgiveness". Otherwise (the tendency of the question to arrogance and general favoritism), he will leave the cycle of cognition and science and a veil will be drawn between him and the facts.

**Keywords:** Quran, Hearing, Seeing, Question, Explaining the Truth.

#### چکیده:

خداوند در آیات ابتدایی سوره فصلت، از نزول کتاب و تفصیل آیات و بشارت و انذار آن‌ها سخن می‌گوید و به دنبال آن، رویگردانی عده کثیری از کفار را با عبارت: «فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَأَنْ يَسْمَعُونَ» (فصلت، ۴) مطرح می‌کند. در آیات دیگری به سرگذشت قوم «عاد» و «ثمود» اشاره دارد که قوم عاد، به دلیل عدم «رؤیت» قدرت خداوند، گرفتار «استکبار» و خود بزرگ بینی شده و قوم ثمود نیز علی‌رغم هدایت از سوی خداوند، گمراهی را بر هدایت ترجیح داده (فَأَسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى) و گرفتار عذاب شده‌اند. این در حالی است که خداوند قبل از بیان سرگذشت قوم عاد و ثمود، از تقدیر روزی در زمین و یکسان بودن آن برای سؤال کنندگان (سَوَاءٌ لِّلْسَائِلِينَ) و اهمیت سؤال در بهره‌مندی از روزی، سخن می‌گوید. این نوشتار بر آن است تا با دسته‌بندی و تحلیل آیات سوره مبارکه فصلت بر مبنای وضعیت مطلوب (جریان حق) و وضعیت غیر مطلوب (شبه جریان باطل) چگونگی فعال‌سازی ابزارهای شناختی انسان از جمله «سمع» و «رؤیت» را کشف کند و بدین واسطه انسان، «سؤال» و «میل» درونی خود را، در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب بکار گیرد تا انسان بتواند از آیات قرآن و کارکردهای آن، از جمله: «هدایت»، «شفاء» و «ذکر» بهره‌مند شود و با جهت دادن سؤال در «استقامت» و «استغفار»، بهره خود را از فهم حقایق، افزایش دهد. در غیر این صورت (گرایش سوال به استکبار و استجاب عمی)، از چرخه شناخت و علم خارج خواهد شد و حجابی میان او و حقایق حائل می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، سمع، رؤیت، سؤال، تبیین حق.

## ۱. طرح مسأله

برای شناخت جهان و حقایق، سه نوع ابزار معرفتی وجود دارد که عبارتند از: «حس» که مهم‌ترین آن، حس «شنوایی» و «بینایی» است؛ دومین ابزار، «عقل» و «خرد» است که در قلمرو محدودی بر اساس اصول ویژه‌ای به طور یقینی حقیقت را کشف می‌کند؛ سومین ابزار، «وحی» است که وسیله ارتباط انسان‌های برگزیده با جهان غیب است.

بر این اساس، خداوند متعال در هر یک از سوره‌های قرآن کریم با تحریک ابزارهای شناختی انسان (به ویژه حس و عقل) به منظور خارج کردن او از ظلمات به نور، یا وضعیت نورانی را به وضوح و به دلالت ظاهر نشان می‌دهد و یا وضعیت ظلمانی که لازم است از آن خروج صورت گیرد را به انسان می‌نمایاند. یکی از این بسترها، سوره مبارکه فصلت است که خداوند با سخن گفتن از نزول کتاب و تفصیل آیات آن با کارکرد «بشارت» و «انذار»، مقدمات هدایت انسان به یک وضعیت نورانی را نشان می‌دهد<sup>۱</sup> اما عده کثیری از کافران و مشرکان با رویگردانی از آیات و عدم توجه به آن‌ها، خود را از رسیدن به وضعیت نورانی محروم کرده و همچنان در وضعیت ظلمانی باقی مانده‌اند<sup>۲</sup>.

از این رو، عدم پذیرش آیات سبب شده است تا دیگر قوای شناختی آنان نیز دچار اختلال شود، چنانکه خود به این وضعیت اقرار کرده و از زبان آنان گفته می‌شود:

۱. «تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ، بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (فصلت،

(۴-۲)

«وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْ إِنَّا غَامِلُونَ» (فصلت، ۵). همچنین در آیات دیگری از این سوره، خداوند متعال به چگونگی عملکرد قوم عاد و عاقبت آنان اشاره کرده و می‌فرماید: «فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ» (فصلت، ۱۵). در این آیه، «استکبار» به

عنوان یکی از ویژگی‌های رفتاری قوم عاد مطرح شده است که این رفتار، در نتیجه «عدم رؤیت» قدرت خداوند است. همچنین در آیات بعد، در مورد قوم ثمود می‌فرماید: «وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (فصلت، ۱۷). این آیه نیز نشان می‌دهد که توان رؤیت، در قوم ثمود فعال نشده است و آنان، ظلمات را بر هدایت ترجیح داده و تمایلی برای خروج از آن ندارند و برای نشان دادن وضعیت ظلمانی از واژه «عمی» در مقابل «هدی» استفاده شده است. البته قابل ذکر است که خداوند متعال قبل از بیان داستان قوم عاد و ثمود، در آیه ۱۰ می‌فرماید: «وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَامَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ» (فصلت، ۱۰). در این آیه، موضوع «سؤال» مطرح شده که این ویژگی به طور طبیعی و فطری در وجود همه انسان‌ها از مومن و کافر وجود دارد، با این تفاوت که انسان مومن، سؤال و طلب را در مسیر حق<sup>۳</sup> استفاده می‌کند و نجات می‌یابد و انسان کافر، این

۲. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت، ۳۰)

۱. «... فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (فصلت، ۴)

ویژگی را در مسیر باطل<sup>۱</sup> استفاده کرده و در دنیا و آخرت گرفتار عذاب می‌شود.

این نوشتار بر آن است تا به این سؤالات پاسخ بدهد: وضعیت مطلوب و وضعیت غیر مطلوب در سوره مبارکه فصلت، چه مؤلفه‌هایی دارد؟ انسان چگونه می‌تواند از سؤال، برای رسیدن به وضعیت مطلوب استفاده کند؟ فعال سازی ابزارهای شناختی یا عدم شکوفایی این ابزارها چه تأثیری در سؤال و میل درونی انسان دارد؟ فعال سازی یا شکوفایی قوای شناختی چه تأثیری در برون رفت از وضعیت غیر مطلوب و حرکت به وضعیت مطلوب دارد؟

با توجه به سؤالات فوق، ابتدا آیات سوره مبارکه فصلت بر مبنای ارائه وضعیت مطلوب (نورانی) و یا ارائه وضعیت غیر مطلوب (ظلمانی)، دسته‌بندی می‌شود و مؤلفه‌های هر وضعیت مورد واکاوی قرار می‌گیرد، سپس جایگاه مفاهیم اصلی پژوهش: «قرآن»، «سمع»، «رؤیت» و «سؤال» به نسبت هر کدام از این وضعیت‌ها، بررسی و تحلیل می‌شود تا مشخص شود که خداوند با نزول قرآن، چگونه انسان‌ها را از وضعیت غیر مطلوب (ظلمانی) به وضعیت مطلوب (نورانی) هدایت کرده است و این دعوت و هدایت از جانب خداوند چه تأثیراتی بر شکوفایی ابزارهای شناختی انسان داشته است و در نهایت این فرایند چگونه

می‌تواند، «سؤال» و میل درونی انسان را برای برون رفت از وضعیت ظلمانی (غیر مطلوب) جهت دهی کند.

## ۲. پیشینه و روش تحقیق

در رابطه با پژوهش حاضر، هیچ اثر مستقلی در قالب مقاله، پایان نامه و رساله یافت نشد. این پژوهش با تکیه بر انسجام و ارتباط موضوعات درون سوره‌ای<sup>۲</sup> و بررسی روابط همنشینی<sup>۳</sup> میان مفاهیم اصلی تحقیق: «قرآن»، «سمع»، «رؤیت» و «سؤال»، به دنبال این است تا ارتباط میان شکوفایی ابزارهای شناختی انسان در سوره فصلت از منظر توجه به آیات آفاقی و انفسی را با موضوع «سؤال» و میل درونی انسان نشان بدهد و همچنین راهکارهای سوره فصلت را برای جهت دهی سؤال به منظور برون رفت از وضعیت غیر مطلوب (ظلمانی) را کشف کند.

## ۳. تحلیل معناشناختی مفاهیم تحقیق

با توجه به پیگیری مفهوم «قرآن» و کارکرد هدایتی آن در سوره مبارکه فصلت و بررسی نقش مهم‌ترین ابزارهای شناختی انسان: «سمع» و «رؤیت» در پذیرش حقایق و دریافت آن‌ها و شکوفایی این ابزارها در نتیجه ارتباط با حقایق و همچنین تحلیل مفهوم «سؤال» در عملکردهای مومنان و کافران، لازم است به روابط همنشینی این واژگان در سوره فصلت توجه شود.

<sup>۱</sup> برای مطالعه بیشتر (نک: طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۶؛ حجازی، ۱۳۹۰؛ دراز، ۱۳۹۰؛ شحاته، ۱۹۹۰؛ صبحی صالح، بی‌تا؛ غزالی، ۱۴۱۳؛ الفطان، ۱۴۰۳؛ بازرگان، ۱۳۷۲؛ حوی، ۱۹۹۱؛ معرفت، ۱۴۱۵؛ فقهی‌زاده، ۱۳۹۳؛ ایازی، ۱۳۸۰؛ خامه‌گر، ۱۳۸۲).

<sup>۱</sup> «فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ» (فصلت، ۱۵)؛ «وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»

<sup>۳</sup> Syntagmatic relationship

۴. روابط همنشینی<sup>۱</sup> و روابط جانیشینی<sup>۲</sup>

جامع آثار تمامی علوم است (راغب، ۱۴۱۲: ۶۶۸). این واژه در سوره مبارکه فصلت، سه مرتبه به صورت اسم ظاهر بکار رفته است. در آیات ابتدایی، قرآن را با وصف عربیت معرفی می‌کند و می‌فرماید: «كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (فصلت، ۳).

از آنجا که بخشی از تحلیل‌های درون سوره‌ای، مبتنی بر روابط همنشینی و جانیشینی میان واژگان اصلی تحقیق است، نگاهی کوتاه به تبیین «روابط همنشینی» و قسم آن، «روابط جانیشینی» شایسته می‌نماید. «روابط همنشینی»، پیوند نحوی و معنایی کلمات را در زنجیره‌ها و جملات بررسی می‌کند، در حالی که «روابط جانیشینی»، ارتباط کلمات را با کلمات جانشین آن‌ها تبیین می‌کند (بی‌برویش، ۱۳۷۴، ۳۱-۳۰). از آنجا که برای شکل گرفتن یک عبارت، چگونگی قرارگرفتن کلمات در کنار یکدیگر باید مطابق روش‌ها و قوانین خاصی که قواعد «نحوی» نام دارند، صورت بگیرد تا آن عبارت دارای معنا و مفهومی روشن باشد، رابطه همنشینی را «رابطه نحوی» نیز می‌گویند (باقری، ۱۳۷۸: ۵۱). رابطه همنشینی میان کلمات، اشکال مختلفی دارد. این روابط معنایی به دو دسته تقسیم می‌شوند: روابط «نحوی-معنایی» یا «رابطه مکملی» مانند رابطه فعل و فاعل و روابط «معنایی-معنایی». رابطه همنشینی بین دو واژه علاوه بر رابطه «نحوی-مکملی» می‌تواند به صورت روابط معنایی «اشتدادی» و «تقابلی» در جمله ظهور کند (بی‌برویش، ۱۳۷۴: ۳۱).

## ۴-۱. همنشین‌های واژه «قرآن»

«قرآن»، مصدر است و چنانکه برخی علما گفته‌اند، وجه نامگذاری این کتاب مقدس به قرآن، آن است که این کتاب، جامع فوائد تمامی کتب آسمانی است بلکه

جدول ۱: همنشین‌های واژه «قرآن» در سوره فصلت

آیات	همنشین‌ها	رابطه
كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (فصلت، ۳)	آیات، کتاب، عربی	مکملی
بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (فصلت، ۴)	بشیر، نذیر	مکملی
وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ (فصلت، ۲۶)	لا تَسْمَعُوا، الْغَوْا	مکملی
وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَجَبِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَءَعْجَبِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ (فصلت، ۴۴)	عَجَبِيٌّ، هُدًى، شفاء	مکملی

<sup>۱</sup> Syntagmatic relationship .

<sup>۲</sup> paradigmatic relationship .

وجودی انجام می‌شود، در قرآن برای خداوند بکار رفته است.<sup>۴</sup>

جدول ۲: همنشین‌های واژه «سمع» در سوره فصلت

آیات	همنشین‌ها	رابطه
بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (فصلت، ۴)	اعراض	مکملی
حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (فصلت، ۲۰)	شهد، ابصار، جلود	مکملی
وَ مَا كُنْتُمْ تَسْتَرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَ لَا أَبْصَارُكُمْ وَ لَا جُلُودُكُمْ وَ لَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ (فصلت، ۲۲)	شهد، ابصار، جلود،	مکملی
وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَبُونَ (فصلت، ۲۶)	کافران، قرآن، الغوا،	مکملی

همنشین‌های واژه «قرآن» در سوره فصلت عبارتند از: در دسته اول، واژه «قرآن»، در نقش حال برای «آیات» یا «کتاب» واقع شده است (صافی، ۱۴۱۸: ۲۴/۲۸۶). دسته دوم، همنشین‌هایی که در توصیف واژه «قرآن» بکار رفته‌اند که عبارتند از: «بشیر»، «نذیر»، «أعجمی»، «هدی» و «شفاء». دسته سوم، همنشین‌هایی که واکنش مشرکان را نسبت به «قرآن» نشان می‌دهند که عبارتند از: «لَا تَسْمَعُوا» و «الغوا». همنشین‌های واژه «سمع»

در معنای واژه «سمع» گفته‌اند: «هو إدراك الأصوات» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۰۹/۵). این ادراک می‌تواند به وسیله عضو جسمانی بدن یعنی گوش یا یک نیروی روحانی و باطنی در وجود انسان یا به سبب احاطه وجودی و قیومیت مطلق انجام شود (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۰۹/۵). مورد اول در مورد انسان‌های عادی<sup>۲</sup>، مورد دوم برای شنیدن اجنه و بعضاً برای دریافت وحی توسط پیامبران<sup>۳</sup> و مورد سوم که به سبب احاطه

<sup>۱</sup> در آیه ۴، «بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (فصلت، ۴)، واژه «بشیر» صفت دوم قرآن یا حال از آیات یا کتاب است (صافی، ۱۴۱۸: ۲۴/۲۸۶؛ درویش، ۱۴۱۵: ۵۳۰/۸). در آیه ۴۴، «وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا» واژه «أعجمی» صفت برای قرآن است (درویش، ۱۴۱۵: ۵۷۱/۸). در آیه ۴۴: «قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءً»، واژه‌های «هدی» و «شفاء» خبر برای قرآن قرار گرفته‌اند (درویش، ۱۴۱۵: ۵۷۱/۸).

<sup>۲</sup> «يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ» (البقره، ۷۵)

<sup>۳</sup> «إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا» (الجن، ۱)، «نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ» (الاحقاف، ۲۹) و «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى» (طه،

<sup>۴</sup> «قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ» (المجادله، ۱)، «إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا» (النساء، ۵۸).

مکملی	الله، علیم	وَ اِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (فصلت، ۳۶)
-------	------------	--

همنشین‌های واژه «سمع» در سوره فصلت، عبارتند از: دسته اول، همنشین‌هایی در مورد کافران: «اعراض»، «کفروا» و «الغوا». دسته دوم، همنشین‌هایی که در بستر قیامت و شهادت دادن به اعمال انسان مطرح شده است: «شهد»، «ابصار» و «جلود». دسته سوم، همنشین‌هایی که در مورد خداوند بکار رفته است: «الله»، «علیم».

#### ۲-۴. همنشین‌های واژه «رؤیت»

در معنای واژه «رؤیت» به نقل از ابن سیده گفته‌اند: «الرُّؤْيَةُ النَّظْرُ بِالْعَيْنِ وَ الْقَلْبِ» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۱/۱۴). رؤیت، دیدن با چشم و قلب است. رؤیتی که با چشم انجام شود به معنای علم است و دو مفعول می‌گیرد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۱/۱۴). همچنین واژه «رؤیت» به معنای رویت قلبی نیز بکار رفته، چنانکه از ابی‌ذؤب هذلی، این بیت نقل شده: «رَأَى الْفَوَاضِلَ فَاسْتَضَلَّ ضَلَالَهُ \* نِيَافًا مِنَ الْبَيْضِ الْحَسَانِ الْعَطَائِلِ» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۴/۱۴). واژه «رؤیت» در قرآن، به معنای «دیدن»، «دانستن» و «نگاه کردن» بکار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱: ۳/۳۴).

#### جدول ۳: همنشین‌های واژه «رؤیت» در سوره فصلت

آیات	همنشین‌ها	رابطه
فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ	عاد، استکبار، قوت، الله	مکملی

		يَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (فصلت، ۱۵)
مکملی	کفروا، ضلالت،	وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ (فصلت، ۲۹)
مکملی	آیات، ارض، خاشعه،	وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ إِنْ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (فصلت، ۳۹)
مکملی	کافران	قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ (فصلت، ۵۲)
مکملی	آیات، آفاق، انفس، يتبين،	سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (فصلت، ۵۳)

۵. دسته‌بندی آیات با وضعیت مطلوب و غیر مطلوب در این بخش، آیاتی از سوره مبارکه فصلت مربوط به عملکرد جریان حق و عاقبت آنان و همچنین آیاتی که مقابل این جریان، قرار می‌گیرند، یعنی عملکرد و عاقبت شبه جریان باطل در جدول زیر به ترتیب با عنوان «وضعیت مطلوب» و «وضعیت غیر مطلوب» به تفکیک آورده شده‌اند.

با مطالعه و تحلیل دسته اول می‌توان، راهکارهای فعال‌سازی ابزارهای شناختی از جمله: «سمع» و «رؤیت» را شناسایی کرد و با تحلیل عملکرد دسته مقابل می‌توان، موانع شناخت و عدم شکوفایی را کشف نمود. در ادامه بحث، با پیگیری عملکرد جریان حق و عملکرد شبه جریان باطل، چگونگی استفاده از «سؤال» و «میل درونی» و جهت دهی آن در رفتار مومنان، برای دریافت هدایت و نجات از عذاب و در رفتار کافران، برای انکار هدایت و عذاب، مشاهده و تحلیل می‌گردد تا بدین واسطه، به نقش و اهمیت «سؤال» و جهت دهی آن در برون رفت از وضعیت ظلمانی و رسیدن به وضعیت نورانی، پرداخته شود.

جدول ۵: دسته‌بندی آیات با وضعیت مطلوب و غیر

مطلوب

وضعیت مطلوب	آیات مرتبط
	كِتَابٌ فَصَّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۳) قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاستَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ (۶) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۸) قُلْ أُنْتُكُم لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي

همنشین‌های واژه «رؤیت» در سوره فصلت، عبارتند از: دسته اول، همنشین‌های مربوط به انسان و آیات انفسی: «کفروا» و «استکبروا». دسته دوم، همنشین‌های مربوط به زمین و رؤیت آیات آفاقی: «ارض» و «خاشعه» و دسته سوم، همنشین‌هایی که مربوط به خداوند است: «آیات»، «آفاق»، «انفس» و «تبیین».

۳-۴. همنشین‌های واژه «سؤال»

واژه «سؤال» از ریشه «سأل» گرفته شده و به معنای خواستن و طلب کردن است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۹۹/۳). اگر در مورد طلب دانستن چیزی باشد هم بنفسه متعدی می‌شود و هم با حرف جار، و با حرف «عن» بیشتر بکار می‌رود (راغب، ۱۴۱۲: ۴۳۷). در سوره فصلت، ریشه «سأل» یک مرتبه بکار رفته است: «وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاْسِي مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سِوَاءٍ لِّلسَّائِلِينَ» (فصلت، ۱۰). منظور از «سائِلین» انواع نباتات، حیوانات و انسان است که همه در بقای خود محتاج به روزی هستند و به اعتبار این احتیاج ذاتی، آنان را «سائل» خواند، چون با زبان حال از پروردگار خود رزق طلب می‌کنند و مراد از «سؤال» در اینجا، احتیاج و استعداد است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۶۴/۱۷).

جدول ۴: همنشین‌های واژه «سؤال» در سوره فصلت

آیات	همنشین‌ها	رابطه
وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاْسِي مِّنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سِوَاءٍ لِّلسَّائِلِينَ (فصلت، ۱۰)	اقوات، تقدیر، سواء	مکملی

يَوْمَئِذٍ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا ذَلِكُمْ رَبُّ الْعَالَمِينَ  
 (۹) ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ  
 لَهَا وَالْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا  
 طَائِعِينَ (۱۱) إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ  
 اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا  
 وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ  
 تُوعَدُونَ (۳۰) وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا  
 إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ  
 الْمُسْلِمِينَ (۳۳) وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا  
 وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۳۵) وَإِنَّمَا  
 يَنْزَعْنَكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ  
 هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳۶) وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ  
 وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ  
 وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن  
 كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۳۷) وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكَرَ  
 تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ  
 اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لُمُحْيِي  
 الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۳۹)

وضعت  
 غیر  
 مطلوب

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا  
 يَسْمَعُونَ (۴) وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا  
 تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا  
 وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّا عَامِلُونَ (۵)  
 الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ  
 كَافِرُونَ (۷) إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ

أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا  
 لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ  
 بِهِ كَافِرُونَ (۱۴) فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي  
 الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً  
 أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً  
 قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۱۵) وَأَمَّا  
 ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ  
 فَأَخَذْتَهُمْ صَاعِقَةً الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا  
 يَكْسِبُونَ (۱۷) وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا  
 لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ  
 (۲۶) إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفُونَ  
 عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي  
 آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا  
 تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴۰) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ  
 لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (۴۱) وَإِذَا  
 أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ  
 وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ (۵۱) أَلَا  
 إِنَّهُمْ فِي مَرِيئَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَّا إِنَّهُ بِكُلِّ  
 شَيْءٍ مُحِيطٌ (۵۴)

۶. تحلیل دسته‌بندی آیات سوره مبارکه فصلت  
 با مقایسه و تحلیل عملکرد جریان حق و شبه جریان  
 باطل، در سوره فصلت، روشن می‌شود که انسان برای  
 رسیدن به «شناخت» و «تبیین حق» باید آیات خداوند  
 را رؤیت کند و دیگران را نیز به دیدن و شنیدن این  
 آیات دعوت کند، این شناخت، با کمک دیگران و



نسبت به آیات (آیه:۴۰)، پوشاندن ذکر (آیه:۴۱)، اعراض از نعمت (آیه:۵۱)، شک و تردید نسبت به لقاء رب (آیه:۵۴).

نکته دیگری که از مطالعه آیات و بررسی عملکرد این دو گروه به دست می‌آید، ویژگی و یا قابلیت مشترکی است که خداوند در وجود همه انسان‌ها قرار داده است. خداوند در این سوره می‌فرماید: «وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَانَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ» (فصلت، ۱۰)، علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌گوید که منظور از «سؤال»، احتیاج و استعداد است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/۳۶۴). طبق این آیه، خداوند روزی و اوقات را برای همه انسان‌ها به صورت مساوی قرار داده است، هر کس به میزان احتیاج و استعداد خود بهره‌مند خواهد شد.

در آیات قبل، خطاب به رسولش می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ» (فصلت، ۶). طبق این آیه، رسول وظیفه دارد که با دعوت انسان‌ها به سوی خداوند، سؤال و طلب آنان را در مسیر هدایت قرار دهد و نمی‌تواند انسان‌ها را وادار به هدایت کند؛ چنانکه در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَأَمَّا تُمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ...» (فصلت، ۱۷)، طبق این آیه، خداوند هدایت را برای قوم ثمود قرار داده است، اما آنان ضلالت را بر هدایت ترجیح دادند و در مقابل، مؤمنانی هستند که خداوند در وصف آنان می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت، ۳۰). در این آیه، خداوند از کسانی سخن می‌گوید که هدایت شده‌اند و با استقامت در این

دعوت آنان به سوی خدا به دست می‌آید و با خود بزرگ بینی و منع دیگران در تقابل است.

مهم‌ترین ویژگی‌های «جریان حق» در این سوره عبارتند از: داشتن عزم و اراده (آیه:۳)، استقامت و استغفار (آیه:۶)، ایمان به آیات (آیه:۸)، انجام عمل صالح (آیه:۸)، اطاعت از امر خدا (آیه:۱۱)، این ویژگی به صورت تمثیلی در آیات طبیعی نشان داده شده است، ابراز ربوبیت خداوند و استقامت در این مسیر (آیه:۳۰)، نداشتن خوف و حزن، دعوت دیگران<sup>۱</sup> به سوی خدا (آیات: ۶، ۹، ۳۳) داشتن صبر (آیه:۳۵)، استعاذه به خداوند در برابر شیطان (آیه:۳۶)، دیدن آیات و سجده برای خداوند (آیه:۳۷)، دیدن خشوع زمین و علم به قدرت خداوند برای زنده کردن اموات (آیه:۳۹).

همچنین مهم‌ترین ویژگی‌های «شبه جریان باطل» در این سوره عبارتند از: اعراض از آیات و نپذیرفتن آن‌ها (آیه:۴)، ابراز به اینکه ورودی‌های (قلب، گوش) آنان برای دریافت علم در حجاب و پوشش قرار گرفته است (آیه:۵)، پرداخت نکردن زکات و عدم ایمان به آخرت (آیه:۷)، انکار رسالت پیامبران (آیه:۱۴)، استکبار و جحد نسبت به آیات فرستاده شده (آیه:۱۵)، عدم میل و علاقه به هدایت (آیه:۱۷)، منع کردن دیگران از شنیدن آیات قرآن و بی‌توجهی به آن (آیه:۲۶)، الحاد

۱. علامه طباطبایی ذیل آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت، ۳۳) می‌گوید که منظور از این آیه پیامبر اکرم (ص) است، هر چند که لفظ آیه عمومیت دارد و شامل همه کسانی می‌شود که به سوی خدا دعوت می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷/۳۹۱).

را برای بهتر دیدن و قرار گرفتن در مسیر رشد، راهنمایی می‌کند.

در آیه: «وَ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ...» (فصلت، ۲۶)، استفاده از واژه «سمع»، ضمیر اشاره «هذا» و معرفه بودن «القرآن»، نشان می‌دهد که قرآن، در هدایتگری، مبین است. فعل «سمع» که با حرف «لام» متعددی شده، به معنای اجابت کردن و قبول کردن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۶۳/۸؛ صفایی، ۱۳۸۷: ۲۱۴/۴). طبق این آیه دعوت قرآن، بسیار رسا و قابل شنیدن است اما کافران، پیروان خود را از توجه به قرآن باز می‌دارند.

در آیه: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ» (فصلت، ۴۱)، منظور از «ذکر»، قرآن کریم است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۹۷/۱۷). خداوند با استعمال واژه «ذکر» برای قرآن، از ظهور و صراحت دعوت آن سخن می‌گوید. دعوت قرآن با «بشارت»، «انذار»، «هدایت»، «شفاء» و قابلیت «سمع» از جانب انسان، برای او کارکرد «ذکر» دارد.

در آیه: «وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقُرْءٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ» (فصلت، ۴۴)، علت بهره‌مند نشدن انسان از هدایت قرآن را وجود موانع و عدم شکوفایی ابزارهای شناختی او می‌داند. در آیه: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا...» (فصلت، ۳۰)، خداوند از کسانی سخن می‌گوید که با توجه به آیات، ابزارهای شناختی خود را فعال نموده و هدایت شده‌اند و با تقویت این ابزارها و استقامت و استغفار در این مسیر و نداشتن خوف و حزن به وضعیت مطلوب (نورانی) سوق داده می‌شوند.

مسیر و نداشتن خوف و حزن به بهشت می‌روند. بنابراین، فعال‌سازی ابزارهای شناختی با «عزم و اراده»، «علاقه و میل درونی»، «استقامت»، «دعوت دیگران به سوی خدا»، «نفی استکبار و خود بزرگ بینی»، حاصل می‌شود و با تقویت این عوامل، می‌توان میزان شکوفایی ابزارهای شناختی را افزایش داد؛ زیرا خداوند برای این شناخت، حدی تعیین نکرده است و این مسیر ادامه پیدا می‌کند تا آیه ۵۳ این سوره (سُنْرِبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ) محقق شود و به درجه ظهور برسد.

۷. جایگاه «قرآن» به نسبت سوق انسان به وضعیت

#### مطلوب

خداوند در سوره فصلت اوصافی را برای قرآن بر شمرده، از جمله: «عربی»، «بشیر»، «نذیر»، «هدی»، «شفاء» و «ذکر». در آیه: «بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (فصلت، ۴)، قرآن و آیاتش «بشیر» و «نذیر» معرفی شده‌اند. ریشه «بشر» به معنای چیزی است که خوب و زیبا ظهور پیدا کند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۵۱/۱). قرآن «بشیر» است، چون در رساندن مقصود و غرض خویش به کامل‌ترین مفاهیم و زیباترین شکل و قالب ظهور پیدا کرده است. در آیه: «قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءً» (فصلت، ۴۴)، قرآن برای مومنان، «هدایت» و «شفاء» است. ریشه «هدی» به معنای پیشرو شدن در راهنمایی است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۲/۶) و برخی دیگر گفته‌اند به معنای بیان مسیر رشد و ایجاد توانایی برای رسیدن به چیزی است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۶۹/۱۱). واژه «شفاء» نیز به معنای اشراف داشتن بر چیزی است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۹۹/۳). قرآن، «هدایت» و «شفاء» است، چون انسان

جایگاه «سمع» به نسبت «سؤال» و جهت دهی آن در آیات ابتدایی سوره مبارکه فصلت، فرایندی از سوی خداوند طراحی شده تا انسان‌ها را به درک «محیط» بودن و «شهید» بودن خداوند<sup>۱</sup> به عنوان هدف معرفتی و شناختی انسان، برساند. اما در همان آیات ابتدایی، عده کثیری از کافران و مشرکان، با اعراض و رویگردانی از آیات، خود را از رسیدن به این هدف والا، محروم ساخته‌اند و خداوند متعال در مورد این افراد می‌فرماید: «...فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (فصلت، ۴). انسان‌ها برای ارتقای سطح معرفتی خود، لازم است از رهگذر توجه به آیات (عدم اعراض) و ادراک آن‌ها (سمع) عبور کنند تا شناخت نسبی از خدا و حقایق عالم برای آنان حاصل شود.

توجه انسان به «آیات» کتاب و ادراک آن‌ها با واژه «سؤال» ارتباط دارد. در معنای واژه «سؤال» گفته‌اند: «هو طلب أمر عن شخص، و المطلوب أعم من أن يكون خيرا أو مالا أو علما أو عطاء أو شيئا آخر» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۸/۵). «سؤال» به معنای طلب و خواست درونی انسان است. باید از سوی انسان، طلبی در جهت رسیدن به علم وجود داشته باشد تا انسان به واسطه این سؤال و طلب، بتواند به مراتبی از شناخت و درک محیط بودن و شهید بودن خداوند نائل گردد. در داستان قوم عاد نیز خداوند به موضوع «سؤال» و طلب اشاره می‌کند. در آیه: «فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (فصلت، ۱۵)، واژه «استکبار»، باب استفعال است و در معنای این باب، قید «سؤال» و

طلب وجود دارد، اما قوم عاد این «سؤال» و طلب خود را در جهت صحیح استفاده نکردند. در ادامه می‌فرماید: «وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً» (فصلت، ۱۵). این قوم، چون قدرت خدا را درک نکردند، خود را بسیار قوی می‌دانستند.

در داستان قوم ثمود هم به موضوع «سؤال» اشاره شده، می‌فرماید: «وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَىٰ الْهُدَىٰ» (فصلت، ۱۷). خداوند قوم ثمود را هدایت کرد اما آنان گمراهی را بر هدایت ترجیح دادند. فعل «فَاسْتَحَبُّوا»، باب استفعال است و نشان می‌دهد که این قوم از درون، میل به هدایت نداشتند و گمراهی را طلب کردند و به جای رسیدن به حق، گرفتار عذاب شدند.

جایگاه «رؤیت» به نسبت «سؤال» و جهت دهی آن طبق آیه سوم سوره فصلت، «آیات» از حقیقتی به نام «کتاب» جدا شدند و در دو بستر «آفاقی» و «انفسی»<sup>۲</sup> جاری شدند تا انسان‌های جویای حقیقت را به شناخت برسانند. قید «جدایش» و «تمایز» در واژه «تفصیل»، قید «گسترده‌گی» و «بسط» در بستر سازی ظهور آیات (آفاق و انفس) و همچنین قید «استمراری» که در کیفیت ارائه آیات (سُئِرِيهِمْ) از سوی خداوند وجود دارد، دال بر این است که مفاهیم وحیانی از حیث متن، بستر ظهور و کیفیت ارائه آن، به بهترین شکل ممکن به انسان منتقل شده‌اند تا او را از وضعیت ظلمانی نجات دهند و به روشنایی و علم برسانند.

۱. «أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»، «أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ» (فصلت،

۲. «كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (فصلت، ۳)؛

«سُئِرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ» (فصلت، ۵۳)،

۸. جایگاه «سؤال» به نسبت وضعیت مطلوب و غیر مطلوب

با مطالعه آیاتی از سوره مبارکه فصلت و بررسی جایگاه قرآن به نسبت وضعیت مطلوب و غیر مطلوب انسان در بخش قبل، چنین بدست آمد که قرآن، از سوی خداوند، برای رشد و هدایت انسانها نازل شده است اما برای ایجاد تحول در ساختار ادراکی انسان، رسیدن او به رشد و شناخت، لازم است که انسان از منظر توجه به این آیات و تعامل با آنها، موانع را کنار زده و با فعال سازی ابزارهای شناختی و تقویت آنها در مسیر حق به شناخت، علم و قدرت بیان برسد.

«گسترده‌گی» و «بسط» آیات در دو بستر «آفاق» و «انفس» و «استمرار» در ارائه آیات از سوی خداوند، زمینه را برای دریافت و بهره‌مند شدن انسان فراهم می‌کند اما برای تکمیل این فرایند، لازم است انسان نیز «سؤال»، «طلب» و «میل درونی» خودش را در جهت دیدن بهتر آیات و استفاده از آنها قرار دهد تا بتواند از آیات قرآن و کارکرد های آن، از جمله: «هدایت»، «شفاء» و «ذکر» بهره‌مند شود و با «استقامت» و «استغفار» در این مسیر، ثبات داشته باشد. در غیر این صورت، از چرخه شناخت و علم خارج خواهد شد و حجابی میان او و حقایق حائل می‌گردد.

در آیه: «وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ مِّنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سِوَاءِ لِّلسَّائِلِينَ» (فصلت، ۱۰)، خداوند از جعل «رواسی» در زمین و مقدر ساختن «اقوات» در آن، سخن می‌گوید که قرآن را نیز شامل می‌شود. تقدیر «اقوات»، یعنی خداوند روزی زمین را تمام و کمال در آن قرار داده است. واژه «سواء» در این آیه مفعول مطلق یا حال برای «اقوات»

خداوند در این سوره به معرفی آیاتی می‌پردازد<sup>۱</sup> که انسان می‌تواند از منظر توجه و نگاه کردن به هستی، تمایز میان پدیده‌ها، کارکرد هر یک از آنها و همچنین ارتباط آنها با یکدیگر، قوه تمایز و بیان را در وجود خود فعال سازد تا از رهگذر آن، حق برای او تبیین گردد.

در آیه: «سُتْرِيبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ...» (فصلت، ۵۳)، ویژگی دیگری برای «آیات» و محدوده ارائه آنها از سوی خداوند بیان شده است. «گسترده‌گی» و «بسط» این آیات در دو حوزه متمایز از هم، نشان از گسترده‌گی علم و شناخت دارد. انسان می‌تواند با توجه به این آیات، ظرفیت دریافت و قوای شناختی خود را ارتقاء دهد تا حقایق بیشتری دریافت کند.

در آیه: «سُتْرِيبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ...» (فصلت، ۵۳)، خداوند از فعل مضارع «سُتْرِيبِهِمْ» استفاده می‌کند. این کاربرد (فعل مضارع) دلالت بر تداوم و استمرار وقوع چیزی دارد و نشان می‌دهد که این آیات به صورت مستمر از سوی خداوند فرستاده می‌شوند. بنابراین راه رسیدن به علم و شناخت به زمان خاصی محدود نمی‌شود بلکه انسان می‌تواند با توجه به آیات در هر مقطعی از زندگی و در هر مرحله‌ای از شناخت که باشد، کسب علم داشته باشد.

۱. «وَ مِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَ لَا لِلْقَمَرِ وَ اسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِبَادَةً تَعْبُدُونَ» (فصلت، ۳۷)،

است (صافی، ۱۴۱۸: ۲۴/۲۸۹). بنابراین «اقوات» برای همه یکسان است، بهره‌مند شدن از این «اقوات» بستگی به سؤال و طلب انسان دارد. انسان می‌تواند با سؤال و طلب، ظرف خود را بزرگ‌تر کند. فعل «قَدَر» باب تفعیل است، بنابراین به کمال رساندن اقوات، تدریجاً صورت می‌گیرد که این تدریج از عبارت «فی اربعه ایام» نیز فهمیده می‌شود.

#### نتیجه‌گیری

۱- راهکارهای فعال سازی ابزارهای شناختی انسان و تقویت آن‌ها در سوره فصلت عبارتند از: داشتن عزم و اراده (آیه: ۳)، استقامت و استغفار (آیه: ۶)، ایمان به آیات (آیه: ۸)، انجام عمل صالح (آیه: ۸)، اطاعت از امر خدا (آیه: ۱۱)، این ویژگی به صورت تمثیلی در آیات طبیعی نشان داده شده است، ابراز ربوبیت خداوند و استقامت در این مسیر (آیه: ۳۰)، نداشتن خوف و حزن، دعوت دیگران به سوی خدا (آیات: ۶، ۹، ۳۳) داشتن صبر (آیه: ۳۵)، استعاذه به خداوند در برابر شیطان (آیه: ۳۶)، دیدن آیات و سجده برای خداوند (آیه: ۳۷)، دیدن خشوع زمین و علم به قدرت خداوند برای زنده کردن اموات (آیه: ۳۹).

۲- موانع شناخت و عدم شکوفایی ابزارهای شناختی انسان در سوره فصلت عبارتند از: اعراض از آیات و نپذیرفتن آن‌ها (آیه: ۴)، ابراز به اینکه ورودی‌های (قلب، گوش) آنان برای دریافت علم در حجاب و پوشش قرار گرفته است (آیه: ۵)، پرداخت نکردن زکات و عدم ایمان به آخرت (آیه: ۷)، انکار رسالت پیامبران (آیه: ۱۴)، «استکبار» و «جحد» نسبت به آیات فرستاده شده (آیه: ۱۵)، عدم میل و علاقه به هدایت (آیه: ۱۷)، منع کردن دیگران از شنیدن آیات قرآن و بی‌توجهی به

آن (آیه: ۲۶)، «الحاد» نسبت به آیات (آیه: ۴۰)، پوشاندن ذکر (آیه: ۴۱)، اعراض از نعمت (آیه: ۵۱)، شک و تردید نسبت به لقاء رب (آیه: ۵۴).

۳- بیان جایگاه «سؤال» در سوق دادن انسان به وضعیت مطلوب: با توجه به محتوای سوره مبارکه فصلت، حقایق از جانب رحمان در قالب کتاب با هدف ارائه ذکر، نازل شده‌اند و با تفصیل در دو بستر آیات آفاقی و انفسی از سوی خداوند ارائه شدند تا انسان‌ها با توجه به آیات، موانع دریافت حقایق از جمله: «اعراض»، «عدم سمع»، «اکنه»، «وقر» و «حجاب» و همچنین موانع عمل به حقایق از جمله: «شُرک»، «استکبار»، «ظن» و «شک» را از میان بردارند و با درک محتوای تنزیل یعنی وحدانیت اله و با معرفی راهکارهایی عملی چون: «زکات»، «ایمان»، «عمل صالح» و «تسبیح»، جهت بهره‌مند شدن از این محتوا و با داشتن ویژگی‌هایی چون «استقامت»، «استغفار»، «اطاعت»، «احسن قول»، «استعاذه» و «خشوع» در این مسیر، به غایت این تفصیل و تنزیل که عبارت است از: «ولایت»، «هدایت»، «شفاء»، «شهادت» و «حاطه» برسید. کسانی که نسبت به این تنزیل، اعراض کردند و نپذیرفتند، باب ورود علم به روی آنان بسته شد و منجر به بروز «شُرک»، «کفر»، «شک» و «مریه» در باور آنان و «اعراض»، «لغو»، «الحاد»، «نزغ» و «جحد» در رفتارهای آنان می‌شود.

#### منابع

- ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: چاپ: اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت: چاپ: سوم.

- ایازی، سید محمد علی، (۱۳۸۰). *چهره پیوسته قرآن*، تهران: نشر هستی نما.
- ایچیسون، جین، (۱۳۷۱)، *مبانی زبان شناسی*، ترجمه محمد فائض، تهران: موسسه انتشارات نگاه.
- بازرگان، عبدالعلی، (۱۳۷۲). *نظم قرآن*، بی‌جا: پژمان.
- باقری، مهری، (۱۳۷۸)، *مقدمات زبان شناسی*، تهران: نشر قطره.
- بی‌پرویش، مانفرد، (۱۳۷۴)، *زبان شناسی جدید*، ترجمه محمد رضا باطنی، تهران: آگاه.
- پالمر، فرانک، (۱۳۷۴)، *نگاهی تازه به معناشناسی*، ترجمه کورش صفوی، تهران: کتاب ماد.
- حجازی، محمد محمود، (۱۳۹۰). *الوحدة الموضوعیه فی القرآن الکریم*، قاهره: دارالکتب الحدیثه.
- حوی، سعید، (۱۹۹۱). *الاساس فی التفسیر*، قاهره: دارالسلام.
- خامه‌گر، محمد، (۱۳۸۲). *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*، بی‌جا: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- دراز، محمد عبدالله، (۱۳۹۰). *النباء العظیم*، کویت: دارالقلم.
- درویش، محیی‌الدین، (۱۴۱۵)، *اعراب القرآن و بیانہ*، سوریه: دارالارشاد.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: چاپ: اول.
- روبینز، آر. آج، (۱۳۸۵)، *تاریخ مختصر زبان شناسی*، ترجمه حق شناس، تهران: نشر مرکز.
- صافی، محمود بن عبدالرحیم، ۱۴۱۸ق، *الجدول فی اعراب القرآن*، بیروت: دارالرشید مؤسسة الإیمان.
- صالح، صبحی، (بی‌تا). *مباحث فی علوم القرآن*، قم: انتشارات رضی.
- صفایی، غلامعلی، ۱۳۸۷ش، *ترجمه و شرح مغنی الأدیب*، قم: قدس.
- صفوی، کورش، ۱۳۸۷ش، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران، سوره مهر.
- صفوی، کورش، ۱۳۸۴ش، *فرهنگ توصیفی معناشناسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۲ش، «کدام معنا؟» علم زبان، سال اول، شماره اول.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- عدالت نژاد، سعید، ۱۳۸۲ش، «روش سمانتیکی در مطالعات اسلامی»، تهران: توسعه علوم انسانی.
- غزالی، محمد، (۱۴۱۳). *نحو تفسیر موضوعی سوره‌های القرآن الکریم*، قاهره: دارالشروق.
- فقهی زاده، عبدالهادی، (۱۳۹۳). *پژوهشی در نظم قرآن*، تهران: نشر سخن.
- قطان، مناع، ۱۴۰۳ق، *مباحث فی علوم القرآن*، بیروت، مؤسسة الرساله.
- مختار عمر، احمد، ۱۳۸۶ش، *معناشناسی*، مترجم: حسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت: چاپ: سوم.
- معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۵ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.